

دریچه

آذربایجان وارمنستان بر قله آتشفشان

● تقریباً دو دهه می‌گذرد که خاتم «قهرمانوا» منتظر پایان جنگی است که او را مجبور به ترک خانه‌اش کرد. اما نگرانی‌ها روز به روز بیشتر شده و حتی احتمال یک جنگ دیگر بر سر «ناگورنوقراباغ» وجود دارد، مسالهای که او راهم نگران می‌کند. در قالب عکسی که بر دیوار خانه خاتم قهرمانوا (۸۰ ساله) آویخته شده تصویر زیبایی دو همسر جوان دیده می‌شود که خطوط آندوه بر چهره‌شان هودپاست. این عکس در واقع مربوط به دخترش است به همراه شوهرش که سال‌ها پیش کشته شده‌اند. در حالی‌که لشکر بر گونه‌هایش می‌غلند، خطرات گذشته و آنچه بر سر آنها در جنگ بیست سال پیش آمده تعریف می‌کند، می‌گوید:سربازان ارمنی همسر دخترش را به درختی بسته و زنده زنده سوزاندند. سپس با شلیک یک گلوله دخترش را هم کشتند. او همان‌طور که با ورسری اشکش را پاک می‌کند می‌گوید: بعد به طرف نوه‌هایم شلیک کردند که به پای یکی از آنها خورد. اما این مادر توانست نوه‌هایش را در آن حادثه نجات دهد. از بیست سال پیش تاکنون وی از اتاق کوچکی در یکی از ساختمان‌های قدیمی آذربایجان که قدمتشان به دوران شوروی سابق برمی‌گردد، زندگی می‌کند در ادامه صحبت‌هایش می‌گوید: تنها چیزی که می‌خواهم، بازگشت به کشور است. می‌خواهم در همان جایی بمیرم که به دنیا آمدم.ام می‌خواهم به خانه‌ام برگردم. حدود ۶۰۰ هزار آذربایجانی یا به تعبیری هفت درصد از ساکنان این کشور دچار چنین مصیبت‌هایی هستند. آنها در مدارس و دانشگاه یا بیمارستان‌هایی زندگی می‌کنند که قدمتشان به دوران شوروی سابق برمی‌گردد. معمولاً اتاق‌ها لوله کشی آب ندارد و در ساختمان نیز تنها دو توالت وجود دارد که باید صدها نفر از آن استفاده کنند. در ارمنستان نیز به گفته «الکساندر اسکندریان» که یک تحلیل‌گر سیاسی است، نزدیک به ۱۰ درصد از جمعیت این کشور را پناهندگانی تشکیل می‌دهند که از آذربایجان گریخته‌اند. امروزه هنوز هم رفتار نسل جدید هر دو کشور مطابق با همان چیزی است که از پیش نسل‌های گذشته در اندهان فرزندان ترسیم کرده‌اند. اسکندریان می‌گوید: در رابطه با دانش‌جویان من، آنها گویی اهالی آذربایجان را ساکنان کره ماه می‌دانند. سال ۱۹۹۱ – در اثنای دوران فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی – جنگی ناخواسته برسر یکی از استان‌ها در گرفت. منطقه ناگورنو قره‌باغ در داخل مرزهای آذربایجان قرار داشت اما تعداد ارمنی‌های ساکن این منطقه اکثریت جمعیت آن را تشکیل می‌داد. دراین جنگ حدود ۳۰ هزار نفر کشته شده و نزدیک به یک میلیون نفر هم ناچار به ترک خانه‌هایشان شدند. این اتفاقات پیش از امضای توافق آتش پس رخ داد که درسال ۱۹۹۴ صورت گرفت. به همه کسانی که خانه و کاشانه‌شان را ترک کرده بودند دیگر اجازه بازگشت داده نشد. منطقه‌ای که درحال حاضر تحت سیطره ارمنستان قرار دارد اما آذربایجان سعی می‌کند آن را بازپس بگیرد. درغرب آذربایجان، جبهه‌ای به وسعت صدها کیلومتر کشیده شده که پر از سنگ‌راهی عمیق است. مسالهای که منطقه را شبیه به جبهه‌های جنگ جهانی اول می‌کند. درفضایی باز، سنگ‌راهی ساخته شده که جلوی آنها را کیسه‌های شن پوشانده است. از لابه‌ای آنها روزنه‌های دیده می‌شود که سربازان برای آتش‌کردن پشت آنها قرار می‌گیرند.

در طرف دیگر، درفاصله چند صد متر از منطقه ممنوعه که هنوز بقایای درختان انگور شکسته شده به چشم می‌خورد، تل‌هایی از خاک می‌بینی که تکیه‌اندازان ارمنی در آنها مستقر شده‌اند و به صورتی مستقیم ما را زیر نظر دارند. گرچه دو دولت آذربایجان و ارمنستان توافق آتش پس را امضا کردند اما هنوز به یک صلح واقعی دست پیدا نکرده‌اند. گفت‌وگوه‌ای صلح بین دو کشور در آن زمان به بن بست رسید و همچنان معطل مانده است. سربازان مستقر دراین منطقه می‌گویند تقریباً هر روزه تکیه‌تراندازی‌هایی صورت می‌گیرد. به گفته آنان یک ربع پیش از رسیدن ما به این منطقه چنین اتفاقی افتاد اما درکل هریک دیگری را به شروع آتش متهم می‌کنند و می‌گویند فقط از روی پاسخگویی است که به طرف مقابل شلیک کرده‌اند. درحال دوسال گذشته تقریباً ۶۰ نفر دراین جبهه‌ها کشته شده‌اند. در طرف آذربایجان اکثر سربازان را جوانان کم سن و سال تشکیل می‌دهند که تقریباً در آستانه بیست سالگی قرار دارند. الهام ماما دوف که یک سرباز آذری ۱۹ساله است و تقریباً هشت ماه است که در این جبهه حضور دارد می‌گوید: من افتخار می‌کنم که یک سرباز مینن باشم. هرروز و هرسانه‌ای انتظار این را می‌کشم که جنگ شروع شود و ما بتوانیم خاک خودمان را از دست اشغالگران نجات دهیم. از صحبت‌هایش چنین برمی‌آید که کلاً برای جنگ آماده است اما درعین حال نشانه‌های تنش در چهره‌اش قابل رویت است. روستاییان آذری معمولاً هدف تکیه‌تراندازان ارمنی قرار می‌گیرند. آنها گله‌هایشان را می‌چرانند و زمین را شست می‌زنند. روستاهایشان تقریباً بارها هدف خمپاره‌ها قرار گرفته است. با این‌حال نگرانی این وجود دارد که یکبار دیگر اوضاع از کنترل خارج شود. به اعتقاد تحلیل‌گران بازگشت به حالت جنگی درشرایطی که هرروز طرفین به سلاح‌های پیشرفته‌تری مجهز می‌شوند، قطعاً پیامدهای وحشتناکی خواهد داشت. «فرانس چپیتس» یکی از پژوهشگران گروه بحران‌های بین‌المللی می‌گوید: سبب‌بسته‌های موشکی هر دو کشور به‌حدی پیشرفت کرده‌اند که هرلحظه می‌توانند «اکو» یا «پروان» پایتخت هریک از دو کشور آذربایجان و ارمنستان را هدف قرار دهند. به گفته وی این جنگ در لابه‌لای خود استعداد آن را دارد که ایدرقت‌ها در آن دخالت کنند. ترکیه یعنی عضو ناتو از یک طرف و روسیه از طرف دیگر از چنین نزاعی دفاع می‌کنند. وجود ایران در همسایگی هر دو کشور نیز مهم است. از سوی دیگر این منطقه در واقع یکی از مهم‌ترین مناطق صدور نفت و گاز به اروپا به شمار می‌رود. بنابراین هر گونه نزاعی در آن می‌تواند حوادث غیرقابل پیش‌بینی‌ای را به همراه داشته باشد.

منبع:بی‌بی‌سی س‌ی‌عربی

آ ابتدا می‌خواهیم برسر پیغم چه شد که به شبکه‌های اجتماعی پیوستید؟

بعد از اینکه گروه‌هایی از این شبکه برای تحریک احساسات مردم در برخی از کشورها استفاده کردند به‌خصوص جماعت اخوان‌المسلمین که شروع کردند به شکوه کردن و ناله سر دادن درباره ستم‌هایی که از سوی امارات متوجه آنها می‌شود من هم تصمیم گرفتم به این شبکه ملحق شوم تا بتوانم مسایلی را مطرح کنم و دروغ‌هایی را که منتشر می‌کنند برای افکار عمومی توضیح دهم.

آ گروه‌های طرفدار اخوان‌المسلمین در امارات متحده چه شکایت‌هایی را مطرح می‌کنند؟
می‌گویند اگر بخواند شکایتی را در مراکز پلیس ثبت کنند کسی آنها را تحویل نمی‌گیرد که من از آنها خواستم هر گونه شکایتی دارند مطرح کنند تا ما به آنها رسیدگی کنیم. به‌علاوه برخی ادعا کردند که کارهایشان را گرفته‌اند ولی من به مجوزهای آنها رسیدگی کردم و دیدم همه مجوزهایی که دارند برقرار است و هیچ‌کدام باطل نشده است.

آ امارات سیاست مشخصی را درقبال همه گروه‌های اسلامی یا سیاسی به‌خصوص جماعت اخوان‌المسلمین دارد. پس مسایل اخیر و تنش‌های بین دولت امارات و اخوان چگونه به وجود آمد؟
دولت‌امارات مانند هر دولت دیگری از اخوان‌المسلمین استقبال کرد. ۲۵ سال پیش برخی از منایخ و روحانیون این گروه به امارات آمدند. آن زمان کسی به آنها توجهی نمی‌کرد. آنها در کشورشان تحت ستم قرار گرفته بودند. راست می‌گفت امیر نایف بن‌عبدالعزیز – ولیعهد متوفی عربستان – که درباره آنها گفته بود: «ما به شکل خوبی از آنها استقبال کردیم اما متأسفانه دیدیم که آنها فرزندان ما را علیه ما تحریک می‌کنند.» این اتفاقی است که در همه دولت‌های حوزه خلیج‌فارس افتاده است.

آ درباره تحسوه ورود و شکل‌گیری اعضای این جماعت در دولت امارات برای ما توضیح دهید؟
در امارات آنها توانستند در برخی از مراکز مشغول به کار شوند یا به عنوان معلم در مدارس به تدریس بپردازند. برخی از آنها به حوزه‌های اوقاف و امور اسلامی رفتند ولی متأسفانه آنها رفته‌رفته شروع به تشکیل هسته‌هایی که ظاهرش تعلیم علوم دینی به دانش‌آموزان بود، کردند اما در اصل اینها پوششی بود برای تربیت گروه‌هایی که در آینده بتوانند رهبری کشور را به دست گیرند و حاکم شوند.

آ حجم فعالیت آنها در امارات چگونه است؟

در هر امیرنشینی یک مسوول و یک ساختار سازمانی دارند. همچنین یک مسوول تبلیغاتی و برنامه‌ریزی دارند. متأسفانه آنها ۴۰سال است که مشغول سازماندهی خود هستند. از طریق جمعیت‌های خیریه و مراکز و انجمن‌های محلی و زنان مشغول فعالیت شدند و داشتند عناصری را تربیت می‌کردند تا در آینده به یک فرد «اخوانی» تبدیل شود.

آ آنها کجایی هستند؟

برخی از آنها مصری هستند که اقدام به سربازگیری می‌کنند اما برخی دیگر اماراتی و عضو این تشکل‌ها هستند.

آ آیا شما از طریق شبکه‌های مجازی می‌خواهید علیه آنها جنگی را به راه اندازید؟
من با فرد خاصی درحال جنگ یا دشمنی نیستم. مسایلی را که در این شبکه‌ها مطرح می‌کنم فقط علیه جماعت اخوان و رهبری آن است. من آنها را «طاغوتی» می‌دانم زیرا معتقدند تمام نظام‌های موجود در منطقه عربی را تصرف خواهند کرد و بر آنها چیره خواهند شد. من می‌گویم این تفکر درستی نیست. افرادی از اینها

جهان



رییس پلیس دوبی مطرح کرد

«اخوان هراسی» در کشورهای خلیج‌فارس

سرهنگ ضاحی خلفان به دو اتفاق شهرت دارد: یکی زمانی که ماموران موساد «محمود المبحوح» یکی از اعضای بلندپایه حماس را در دوبی ترور کردند. این سرهنگ اولین کسی بود که در رسانه‌ها به صراحت از این ترور حرف زد و موساد را عامل آن معرفی کرد. در واقع پلیس دوبی از عملیات غافلگیرکننده موساد بدجوری رودست خورده بود و به این طریق داشت تلافی می‌کرد. دومین اقدام جنجال‌ساز او بر خورد و اظهارات تندش علیه جماعت اخوان‌المسلمین بود که آنها را فراماسونی و برای منطقه خلیج‌فارس «خطرناک‌تر از اسرائیل» توصیف کرد. امارات چندی پیش ۱۱ نفر از اعضای وابسته به این گروه را بازداشت کرد و از همانجا بود که رابطه امارات با مصر شکر آب شد و از سوی دیگر رابطه ایران و مصر رونق تازه‌ای گرفت. در این گفت‌وگوی از نگرانی‌های امنیتی کشورهای خلیج‌فارس می‌گوید.

اطاعت کور کورانه می‌کنند. اسنادی وجود دارد که نشان می‌دهد این تشکیلات به وسیله سازمان‌های اطلاعاتی غرب تاسیس شده است. این گروه روزگاری در خدمت اهداف بریتانیا بود و انگلستان این تشکیلات را برای خدمت به اهداف خودش تاسیس کرد. بعدهم سرپرستی این تشکیلات به ایالات متحده به ارث رسید و الان از آن استفاده موردنظرش را می‌کند.

آ گفته می‌شود بعد از آنکه این گروه توسط جمال عبدالناصر تحت تعقیب قرار گرفتند به کشورهای خلیج‌فارس پناه بردند. آیا پذیرفتن آنها در آن زمان کار اشتباهی بود؟

اگر اشتباهی هم بود اشتباه غیرعمدی بوده. چون مردم آگاهی کاملی از این گروه نداشتند. از آن گذشته اینها به صورت فردی آمدند نه تشکیلاتی.

آ شما چطور آنها را در امارات شناسایی کردید؟

اولین چیزی که تقریباً به شکل رسواگرانه‌ای در امارات خود را نشان داد اینکه آنها سعی می‌کردند افراد مورد نظرشان را در جاهای خاصی از دولت بگمارند. از این‌رو تلاش کردند عناصر اخوانی را در پست‌های حساس کشوری جایگزین کنند. اما بعد از اینکه مقامات امارات به این موضوع پی بردند آن افراد را تغییر دادند تا دوباره توازن گذشته برقرار شود.

آ این اتفاق پیش از وقوع خیزش‌های عربی رخ داد یا بعد از آن؟

پیش از آن.

آ چه تعداد اسامی ممنوعه در فهرست‌های امنیتی امارات وجود دارد؟
تمام رهبران اخوان در فهرست افراد ممنوعه قرار دارند و نمی‌توانند به امارات سفر کنند. تعداد مشخصی وجود ندارد بلکه اسامی برخی افراد هست که همه آنها را می‌شناسند. اخوانی‌ها از این‌رو هیچ امنیتی ندارند. مطالبی را که ما در باره آنها منتشر کردیم نشان می‌دهد که آنها ماه گذشته جلسهای داشته و طی آن درباره نحوه خلاص شدن از سلفی‌های مصر گفت‌وگو کردند. چون می‌ترسند در آینده جایشان را در عرصه سیاسی مصر بگیرند.

آ در ابتدا این تصور وجود داشت که سلفی‌ها و اخوانی‌ها درهم آمیخته شده یا بین آنها مشارکتی به وجود آمده است. به لحاظ امنیتی این مساله چه پیامدهایی خواهد داشت؟

اخوانی‌ها با مکر و حیله‌گری توانستند گروهی را تحت عنوان سلفی‌ها از بین خود خارج کنند. حال آنکه روزگاری مدعی می‌شدند از رهبران سلفی هستند تا بتوانند از این طریق وارد کشورهای خلیج‌فارس شده و اموالی را به دست آورند. آن‌وقت زمانی که اقتضا کرد آنها مدعی شدند که سلفی‌های طرفدار اخوان هستند.



رییس پلیس دوبی مطرح کرد

«اخوان هراسی» در کشورهای خلیج‌فارس

انفجاری انجام دهند نه اینکه اشخاصی را ترور کنند. **آ گفته می‌شود این افراد وابسته به جمعیت «اصلاحات اسلامی امارات» بودند. درست است؟**
اگر به عقب برگردیم باید گفت اعراب افغانی (اعرابی که در افغانستان آموزش‌های تروریستی دیده‌اند) از زیر عبای اخوان سر در آوردند و از همان‌ها بود که سازمان القاعده به ظهور رسید. اساساً عبدالله عزام یکی از وابستگان به اخوان‌المسلمین بود.

آ آیا آنها یکی که دستگیر شدند وابسته به جمعیت «اصلاح» یا تفکرات اخوانی بودند؟

خیر. آنها خود را وابسته به القاعده یا فرقه‌های ضاله دیگری می‌دانستند. اینها با کسانی در عربستان و یمن ارتباط داشتند. از آنها موادی کشف شد که برای عملیات انفجاری قابل استفاده بود. البته تعدادشان زیاد نبود و از تعداد انگشتان یک دست تجاوز نمی‌کرد.

آ آیا فکر نمی‌کنید با پیروزهایی که اخوان به دست آورد دوباره گروه‌های وابسته به القاعده در منطقه رشد کنند؟

طرفداران القاعده بسیار کاهش پیدا کرده است. عربستان سعودی برای از بین بردن گروه‌های وابسته به القاعده در سطح منطقه تلاش‌های زیادی انجام داده است. تنها بخش‌هایی از آنها به یمن گریختند که به نظر

من مردم یمن از پس آنها بر خواهند آمد. **آ به عنوان یک فسر امنیتی درباره شیوه ترور بن‌لادن به دست نیروهای آمریکا یکی چه می‌گویید؟**

من شخصاً همان روایت آمریکایی‌ها را قبول دارم. چون نمی‌توانم آن را تکذیب کنم، اما شیوه برخورد آنها خیلی هالیوودی بود. مگر نمی‌شد که این عملیات را نشان داد یا دربار‌اش حرف زد؟ چطور آمریکایی‌ها درباره دروغی به نام نیروگاه‌های اتمی عراق آن حرف‌ها را زدند و کالین پاول بعداً بدلیل همین دروغ‌هایش استعفا داد. پس چرا این بار، رییس‌جمهوری آمریکا نباید موضوع را شرح دهد؟ **آ گفته می‌شود منطقه خلیج‌فارس میدان فعالیت عناصر اطلاعاتی کشورهای غربی شده است.**

دراین باره چه می‌گویید؟
همه جا میدان فعالیت عناصر اطلاعاتی است. اما ما هیچ مورد خاصی را کشف و ضبط نکردهایم.

آ مساله ترور المبحوح به کجا رسید؟
ما درآن قضیه چهار نفر را تحت پیگرد قرار دادیم که یکی از آنها در امارات و بقیه در کشورهای اروپایی دستگیر شدند. آنها در حال حاضر با ضمانت آزاد شده‌اند تا موقع محاکمه‌شان فرا برسد. درباره اینکه اروپایی‌ها آنها را تحویل ما می‌دهند یا نه، باید بگویم ما توافقنامه امنیتی با کشورهای اروپایی نداریم و آنها دراین باره تعهدی نسبت به ما ندارند. از طرف دیگر نفوذ آمریکا و اسرائیل هم مانع کار است. تعدادی دیگر هم تحت پیگرد قرار دارند. این پرونده همچنان باز خواهد بود و تا زمانی که تمام متهمان بازداشت نشوند بسته نخواهد شد.

آ مورد بشری اسد (خواهر بشار اسد) چه می‌گویید؟ آیا او به امارات آمده و پناهنده شده یا اقامت عادی دارد؟

من در این باره حرف‌های زیادی شنیده‌ام. حتی اظهاراتی که شایسته ما مسلمانان نیست. به عنوان فرمانده پلیس دوبی می‌توانم بگویم او به عنوان یک شهروند عرب به کشور ما آمده و به او اجازه ورود داده شده است.

آ چه اقدامات امنیتی خاصی برای او درنظر گرفته شده است؟

هر اقدامی که برای دیگران در نظر گرفته می‌شود برای او هم در نظر گرفته شده است. او زن بیچاره‌ای است که بدلیل حوادث سوریه با فرزندانش آمد و پناهنده‌گی خواست.

منبع: الشرق الاوسط

روزنه

دموکراسی و عقلانیت استبدادی اعراب

● جنبش‌های موجود در منطقه عربی، چیزی جز حاصل انباشته شدن ظلم و ستم و فشارهایی نیست که از سوی حاکمان شیفته قدرت به‌شیوه‌های مختلف قهر و استبداد در حق شهروندان اعمال شده است. شهروندانی که از برخی حقوق اساسی خود محروم‌هستند.

تردیدی وجود ندارد که تجربه دموکراسی در کشورهای عربی کاملاً جدید است. پس از ده‌ها سال حکومت‌های استبدادی و عدم تمرین دموکراسی این تجربه مشکلات خاص خودش را خواهد داشت و بیشتر به یک کودک می‌ماند که هنوز یاد نگرفته است بر روی پاهای خود راه برود و همچنان کج‌معوج می‌شود و تلاش می‌کند بایستند. قطعاً در این باره لغزش‌هایی صورت خواهد گرفت اما باید فرصت داد تا جوامع یادشده بتوانند ساختارهای دموکراتیک و جدیدی بنا کنند که در آنها شهروندان و احزاب به درجاتی از آگاهی سیاسی لازم برخوردار باشند.

با این حال تغییراتی که در پی انقلاب‌های موسوم به بهار عربی به‌وجود آمد پی‌ها و سستون‌های این دموکراسی را برای آیندگان خواهد گذاشت. آنچه در کشورهای تونس و مصر رخ داد هرچند موجب به قدرت رسیدن گروه‌های سنتی و مذهبی شد اما این پایان کار نیست.

نحوه دست یافتن چنین گروه‌هایی به قدرت یک روند دموکراتیک دانسته است؛ گرچه ممکن است

این گروه‌ها یادشان برود که مردم آنها را برای چه انتخاب کرده‌اند. زیرا مردم آنها را انتخاب کرده‌اند تا جامعه را به پیش برده و با فساد اداری سابق مبارزه کنند. از این‌رو تجربه حکومت برای چنین گروه‌هایی آسان نخواهد بود و آنها به‌دلیل عدم آگاهی لازم و به‌خصوص بی‌توجهی به مسوولیتی که باید انجام

دهند با موانع فراوانی روبه‌رو خواهند شد.



در اینجا قصد آن نیست که دولتی به دیکتاتوری متهم شود، بلکه صحبت بر شیوه‌هایی است که می‌تواند موجب بازتولید تجربه دیکتاتوری‌های سابق شود. حکومت‌هایی که اراده خود را بر مردم تحمیل می‌کردند و رفتارشان کاملاً با اصول دموکراسی و آزادی در تضاد بود.

مصر و تونس دو کشور با نظام‌های سکولار بودند. دین در ساختار حکومتی و در نگرش رهبران این کشورها نقش مهمی نداشت. نیروهای مذهبی در واقع اپوزیسیون این نظام‌ها را تشکیل می‌دادند که پیوسته در معرض سرکوب قرار داشتند. اوضاع در لیبی نیز چندان تفاوتی با این دو کشور نداشت و تنها ویژگی مشترک این دولت‌ها خودکامگی رهبرانش بود.

حتی ظهور نمادهای اندکی از دموکراسی در کشورهای یاد شده قابل توجه خواهد بود و این شرایط به هر حال بهتر از فقدان دموکراسی است. برخی کشورهای عربی همچنان تصور می‌کنند به دور خود حصار می‌محکم کشیده و این موج انقلاب‌های عربی به آنها نخواهد رسید اما این تصور دقیقی نیست. ملت‌های عربی هنوز راهی طولانی در پیش دارند تا بتوانند خود را از عقلانیت استبدادی خلاص کنند، زیرا چنین تفکری در سر خیل‌ها وجود دارد و طبعاً باید سال‌ها تلاش شود تا با تمرین واقعی دموکراسی این ذهنیت پاکسازی شود.

کشورهای عربی در برابر چالش‌های متعددی قرار دارند که در جریان آن با تجربه دموکراسی‌شان موفق از کار درآمده و با ایجاد تغییراتی مطلوب این کشورها مسیر سازندگی و پیشرفت را تجربه خواهند کرد یا اینکه به هرج‌ومرج و ویرانی و جنگ‌های داخلی کشیده می‌شوند و این مساله به میزان آگاهی و مسوولیت‌پذیری رهبران سیاسی این کشورها بستگی دارد.

منبع: الزمان